

به یاد ایرج افشار

سروده علی باقرزاده (بقا)

از فراق دوستان در خون نشست
نخبگان رفتند و در فقدانشان
تا ز هم، جمعیت یاران گسست
رخت بریستند از مُلک ادب
دل بریدند از بد و نیک جهان
تا زمین خالی شد از فرزندگان
چون که ایرج شد نهان بر خاک سرد
آن درخت دانش و نخل هنر
صبح و شب کوشید در تحصیل علم
چون قلم سر داشت در خط کتاب
عشق ایران داشت در دل، حفظ کرد
«ایرج افشار» ما رفت از جهان

دیده گریانِ گوهر بار ما
نیست دیگر جز تأسف کار ما
شد پریشان رشته افکار ما
مردم صاحب دل و هشیار ما
دیده پوشیدند از دیدار ما
آسمان گرید به حال زار ما
رفت ارج و عزت و مقدار ما
آن گل جان پرور بی خار ما
تا کند چون روز، شام تار ما
آن مهین استاد شیرین کار ما
با قلم تاریخ ما، آثار ما
ای دریغ از ایرج افشار ما